**برخى از عالمان از عصرى كه در آن زندگى مى‏كنند، غايبند و در آن حضور ندارند. به زعم آنان تنها دين‏ورزى و دين‏شناسى به مفهوم كتابى آن براى درك مسايل جامعه كافى است و ديگر نيازى به درك موضوعات و رويدادهاى زمان نيست غافل از اينكه در كنج مدرسه نشستن و با چند كتاب فقهى و فلسفى به سر بردن و دل به فهم مسايل انتزاعى خوش داشتن، نمى‏تواند انسان را از «هجوم لوابس‏» مصون دارد. علم و اطلاع به اوضاع جارى و تغيير جهان اسلام لازم است. بايد از تيزبينى خاصى برخوردار باشد كه حتى حوادثى كه در آينده واقع مى‏شود پيش‏بينى كند و جامعه را طورى از آن حادثه عبور دهد كه با خطرى مواجه نشود. هدايت‏بدون قدرت پيش‏بينى، امكان‏پذير نيست. از روزى كه اسلام در عرصه اجتماع حضور يافت و پرچم جهانى بودن خود را برافراشت، همواره دشمنان سرسختى در خارج يا داخل داشته است. نحله‏هاى مختلفى كه در ميان مسلمين بوده‏اند غالبا بيكار نبوده و احيانا از پشت‏به اسلام خنجر زده‏اند. بسيارى از آنها در تحريف و قلب حقايق اسلامى به وسيله جعل و وضع احاديث‏يا ايجاد فرقه‏ها و تفرقه‏ها، و لااقل، در دامن زدن به اختلاف مسلمين، تاثير زيادى داشته‏اند. در تاريخ اسلام، حركتها و نهضتهاى سياسى يا دينى زيادى ديده مى‏شود كه از طرف غير مسلمانان به منظور تضعيف يا محو اسلام پديد آمده است. جهان اسلام مورد حمله‏ى سخت دشمنانى چون: جنگهاى صليبى و مغول بوده است و هر يك از آنها تاثير فراوانى در انحطاط مسلمين داشته‏اند. از همه خطرناكتر استعمار غربى در قرون اخير است. آرى، اگر عالمان دين تحولات اجتماعى را بخوبى نشناسند، در اين جهان پيچيده و پوشيده از مسايل و قضايا، غرق مى‏شوند و نسلهايى را كه دل به آنان بسته‏اند نيز مايوس مى‏سازند و احيانا جامعه دينى را به پرتگاه سقوط مى‏كشانند. امام صادق (ع) مى‏فرمايد: العالم بزمانه لا تهجم عليه اللوابس 1 عالم آگاه به زمان، مسايل پيچيده بر او شبيخون نمى‏زند. بنابراين رسالت عالمان به عنوان وارثان پيامبر، اقتضا مى‏كند كه آگاه به رخدادهاى زمان باشند و اين آگاهى در حدى باشد كه بتوانند حوادث و پيشامدهاى آينده را نيز پيش‏بينى و علاج كنند. باز در جمله‏اى از على (ع) اين مطلب اينگونه بيان شده است: اعرف الناس بالزمان، من لم يتعجب من احداثه. 2 آگاه‏ترين مردم به زمانه كسى است كه از پيشامدهاى روزگار تعجب نكند. طبعا كسى كه اين شناخت را پيدا كرده باشد از آمادگى در برابر آنها غافل نيست. «من عرف الايام، لم يغفل عن الاستعداد». 3 بلكه بالاتر از همه اينها بايد نسل را براى روزگاران بعد تربيت كرد. «لا تقسروا اولادكم على آدابكم فانهم مخلوقون لزمان غير زمانكم‏». فرزندانتان را بر آداب و رسوم خودتان مجبور نكنيد، زيرا آنها براى زمانى غير از روزگار شما آفريده شده‏اند. 4 عالمان متعهد و دردآشناى ما در گذشته اينگونه بوده‏اند. با حضور آگاهانه خود در زمان، دين را حيات مى‏بخشيدند.**

**ضرورت توجه به زمان**

**افزون بر نكاتى كه قبلا بر ضرورت توجه به زمان اشاره شد. به دو دليل ديگر آشنايى به زمان امرى ضرورى است:**

**1- پاسخگويى به شبهات و مسايل جديد**

**عالمان بزرگ شيعه كه منشا آثارى شده‏اند همواره به تجهيزات فكرى زمان خود مسلح بوده‏اند و چگونگى زمان و افكار مردم و جريانات زمان را مى‏شناخته‏اند و طبيعت عصر و اقتضاى زمان را در انتخاب شيوه استدلال و ماده دليل، اصل مى‏دانسته‏اند; شيخ طوسى از حوزه زمان خود در آغاز كتاب «تلخيص الشافى‏» اينگونه ياد كرده است: «علماى بزرگ، چه آنان كه در قديم بوده‏اند. چه آنان كه بعد آمده‏اند، همه در باره پيدا كردن دليلهاى زمان‏پسند و آنچه طبيعت زمان اقتضا مى‏كرده است، تا نهايت درجه ممكن كوشيده‏اند و پيش تاخته‏اند و در برابر ديگران و مخالفان موضع آگاهانه داشته‏اند. چون همواره شبهه‏هاو مسايل تازه‏اى القا مى‏شده است. از اين رو آنان نيز آگاهيها و دليلهاى تازه‏اى براى حقانيت‏حق عرضه مى‏كرده‏اند». به عنوان نمونه، شمارى از موضوعات و مسايلى كه امروزه مطرح است و حوزه و عالمان بايد پاسخگوى آن باشد در كلام امام راحل‏1 اينگونه بيان شده است: «مثلا در مساله مالكيت و محدوده آن، در مساله زمين و تقسيم‏بندى آن، در انفال و ثروتهاى عمومى، در مسايل پيچيده پول و ارز و بانكدارى، در تجارت داخل و خارجى... در مسايل فرهنگى و برخورد باهنر به معناى اعم، چون: عكاسى، نقاشى، مجسمه‏سازى، موسيقى، تئاتر، خوشنويسى و غيره. در حفظ محيط زيست و سالم سازى طبيعت... در جلوگيرى از مواليد در صورت ضرورت و يا تعيين فواصل در مواليد، در حل معضلات طبى... در مسايل حقوقى و حقوق بين الملل.. كه همه اينها گوشه‏اى از هزاران مساله مورد ابتلاى مردم و حكومت است‏». 5**

**2- كيفيت انطباق قوانين اسلامى با عوامل متغير زمان**

**اساسا رمز اجتهاد در تطبيق دستورات كلى با مسايل جديد و حوادث متغير است. مجتهد واقعى كسى است كه اين رمز را به دست آورده باشد، توجه داشته باشد كه موضوعات چگونه تغيير مى‏كند و بالطبع حكم آنها عوض مى‏شود 6 و گرنه به موضوع كهنه و فكر شده، فكر كردن و حداكثر يك «على الاقوى‏» را تبديل به «على الاحوط‏» كردن و يا يك «على الاحوط‏» را تبديل به «على الاقوى‏» كردن، هنرى نيست.**

**حضرت امام (قدس سره) به عنوان فقيهى زمان‏شناس، نقش تبديل و تغييراتى را كه در موضوعات ايجاد مى‏شود اين گونه تبيين نموده‏اند: «زمان و مكان دو عنصر تعيين‏كننده در اجتهادند. مساله‏اى كه در قديم داراى حكمى بوده است‏به ظاهر همان مساله در روابط حاكم بر سياست و اجتماع و اقتصاد يك نظام، ممكن است‏حكم جديدى پيدا كند. بدان معنى كه با شناخت دقيق روابط اقتصادى و اجتماعى و سياسى، همان موضوع اول كه از نظر ظاهر با قديم فرقى نكرده است. واقعا موضوع جديدى شده است كه قهرا حكم جديدى مى‏طلبد». 7**

**شهيد صدر در آغاز كتاب «الفتاوى الواضحة‏» پس از ذكر اين نكته كه بايد رساله‏هاى عملى در هر دوره‏اى مورد تجديد نظر قرار گيرند، در توجيه آن مى‏فرمايد: «على رغم اينكه احكام شرعى احكامى است ثابت، برخى اوقات به دنبال تغيير اوضاع و احوال از عصرى به عصر ديگر، تطبيق آنها نيز تغيير مى‏كند. پس لازم است همزمان با تغيير فراوانى كه در بسيارى از اوضاع و احوال رخ مى‏دهد، رساله‏هاى عمليه آنها را در تشخيص حكم شرعى در نظر داشته باشد». 8 يعنى ساختار فقهى و كلامى گذشته نمى‏تواند حوادث زمان و شبهات كلامى و اعتقادى را پاسخ گويد و با آن ادبيات پيشين نمى‏توان نسل جوان را به دين‏شناسى و دين ورزى سوق داد.**

**چرا امام موسى صدر؟**

**يادكردى از عالمان دين، بويژه آنانكه حضور آگاهانه خود را در زمان حفظ كرده‏اند، براى نسلهاى آينده، بويژه جوانان، امرى لازم و ضرورى است. يكى از راههاى ايجاد ارتباط ميان نسلهاى كنونى و گذشته، آشنايى و معرفى مفاخر علمى است، بويژه آنان كه گام در راه احياى دين و ارزشها دينى در جهان كنونى برداشته‏اند. امام موسى صدر از زمره عالمانى است كه حضور عالمانه خويش را در زمان حفظ كرد و خدمات ماندگارى را، هم در زمينه هاى فرهنگى و هم در عرصه هاى اجتماعى، بويژه در خطه محروم لبنان انجام داد و تعهد علم و آگاهى را به نحو احسن عملى ساخت. وى داراى استعدادى سرشار بود و مى‏توانست در حوزه بماند و به اعتراف بعضى از مراجع تا مرجعيت‏شيعه پيش رود. اما فقر و محروميت‏شيعيان لبنان او را آرام نگذاشت و بى‏اعتنا به همه آينده هايى كه براى خود پيش‏بينى مى‏كرد، احساس مسووليت نمود و براى نجات مردم لبنان به آن ديار هجرت نمود. او خوب مى‏دانست اسلام، عزت و سربلندى را براى پيروان خويش خواسته است و هرگز راضى به ذلت آنان نيست و از سويى اين را مى‏دانست كه با اعتماد مردم به علما و شناخت علما از مردم و مصالح آنان، وظيفه‏اى بس خطير در جهت اصلاح جامعه بر دوش اين قشر نهاده است. بگونه‏اى كه اگر آنان را رها كنند و تعهدى نسبت‏به سرنوشت جامعه نداشته باشند، دشمنان سرنوشت ذلت‏بارى براى مردم رقم خواهند زد. او به همه ابعاد مورد نياز جامعه شيعيان لبنان توجه كرد، از سويى مى‏ديد آنها در داخل لبنان حقوقشان ضايع گرديده و از سويى مورد تهاجم دشمن صهيونيستى هستند. او مى‏دانست‏بدون داشتن علم نمى‏توان به استقلال رسيد. هنگامى كه همه امور به سرپنجه علم حل و فصل مى‏شود، جامعه شيعه بايد مسلح به اين سلاح باشد. از اينرو در جهت تاسيس مراكز علمى همت گمارد و شيعيان را به فراگيرى علوم ترغيب كرد. او مى‏دانست‏بدون داشتن قدرت و سلاح روز در لبنان تمام حقوق آنان از بين رفته است، لذا با آموزشهاى نظامى و ايجاد جنبش امل به اين مهم پرداخت. او درك كرده بود كه فقر و محروميت‏بلاى خانمان سوزى است كه متاسفانه شيعيان را فراگرفته است (و كاد الفقر ان يكون كفرا) و نمى‏توان آنان را به آينده دل خوش نمود، به همين دليل «حركت المحرومين‏» را بنا نهاد تا به وضع مستضعفان رسيدگى كند. او به اين حقيقت قرآنى پى برده بود كه با اديان ديگر بايد از راه گفت و گو وارد شد و به اين طريق مطالب حق را به گوش آنان رساند. در عين حال زندگى مسالمت‏آميزى مى‏توان در كنار آنان داشت، لذا در كليساها به سخنرانى پرداخت و آنچنان در نظر آنان محبوب گرديد كه حتى امروز كه بيش از بيست‏سال از مفقود شدن او مى‏گذرد هنوز مسيحيان و حتى كشيشان آنها دل در ياد او دارند و در سالگرد مفقود شدن او همانند شيعيان مراسم ويژه برگزار مى‏كنند. و... .**

**آرى، بيست‏سال از ناپديد شدن اين عالم راستين مى‏گذرد. در اين مدت تلاشهايى از سوى خانواده و دوستان و حتى دولت جمهورى اسلامى ايران براى يافتن وى شده است، اما... . در اين رابطه چند تن از خانواده ايشان با يار ديرين و دوران طلبگى و هم مباحثه اين مجاهد مرد يعنى حضرت آيت الله العظمى موسوى اردبيلى ملاقات نموده و در آن نشست، سخن از بزرگداشتى در بيستمين سال مفقود شدن امام موسى صدر به ميان مى‏آيد. رياست محترم دانشگاه مفيد با انگيزه هاى زيادى آمادگى دانشگاه را براى برگزارى اين همايش اعلام مى‏دارند; و در اين راستا مجله‏نامه مفيد نيز وظيفه خود دانست‏شماره‏اى از مجله را به اين امر اختصاص و براى بهتر معرفى كردن اين شخصيت‏بزرگ با شخصيتهاى مختلفى كه با وى آشنا بوده‏اند مصاحبه و ميزگردهايى ترتيب دهد و همچنين مقالاتى در تبيين ديدگاههاى ايشان تقديم خوانندگان نمايد. در پايان ضمن تقديم سپاس به آنان كه در تكريم و تعظيم اين دانش‏مرد مقالاتى ارسال داشته و يا در ميزگرد و مصاحبه شركت كرده‏اند، اميد است‏بزرگداشتى در اين راستا در دانشگاه مفيد برگزار شود.**

**مجله علمى، پژوهشى نامه مفيد با اقتداء به شيوه و سنت پسنديده ديرين حوزه‏هاى علميه و مجامع علمى، مجله را عرصه بحث و گفتگو و نقد و انتقاد مى‏داند. و بر اين باور است كه تضارب آراء و افكار موجب رشد و تعالى خواهد شد از اين رو آنچه در مجله منعكس مى‏شود صرفا بيانگر ديدگاه پديدآورندگان آنهاست و لزوما ديدگاه مجله نيست. با وجود اين، نامه مفيد از نقدهايى كه براى مجله ارسال مى‏شود، استقبال مى‏كند و فضا را براى بحثهاى علمى باز مى‏داند و در اين بحثها جانب هيچ فردى را نمى‏گيرد و تنها حقيقت را شايسته پيروى مى‏داند. لذا لازم به يادآورى است كه به دنبال چاپ مقاله‏اى در شماره پيشين، نقدهايى به دفتر مجله رسيد. ما ضمن تشكر و سپاس از همه كسانى كه با حساسيت مقالات را پى مى‏گيرند و با نقدهاى خود به دفاع از باورهايشان مى‏پردازند و به اين وسيله بر غناى بحثها افزودند. ولى از آنجا كه اين شماره را از قبل به گرامى داشت‏ياد امام موسى صدر اختصاص داده بوديم، با عرض پوزش از همه آن عزيزان، در شماره آتى هر يك از آن مقالات كه مورد تاييد تحريريه قرار گرفت‏به نظر خوانندگان گرامى خواهيم رساند. ان شاء الله. و السلام سردبير**

**پى‏نوشتها**

**1- تحف العقول، ص 261. 2- غرر الحكم، ص‏91 به نقل از: محمدرضا حكيمى و...، الحياه، ج 1، ص 140. 3- كافى، ج 8، ص 23. به نقل از: محمدرضا حكيمى و...، همان، ج 1، ص 139. 4- شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد، ج‏20، ص 267. 5- صحيفه نور، ج 21، ص 98. 6- به عنوان نمونه عقد مضاربه‏اى كه در گذشته بوده با آنچه اكنون رايج است فرق اساسى كرده است. در گذشته بحث در باره مالك و عامل يعنى دو شخصيت‏حقيقى بوده است. در حالى كه امروزه با تاسيس شركت، عرفا شخصيت‏حقوقى مطرح شده كه در فقه قديم معنون نبوده است و اگر بحث «مالكيت عنوان‏» در فقه مطرح بوده است مانند عنوان مسجد، غير از شخصيت‏حقوقى است كه امروز رايج مى‏باشد. بنابراين با اين ديد ممكن است‏بعضى از مسايل باب مضاربه تغيير كند و نظرات جديدى در باره آنان مطرح شود. 7- صحيفه نور، ج 21، ص 98. 8- الفتاوى الواضحه، ج 1، ص 97.**